

مهندسی فرهنگ ارزشی با توجه به سیر نزول آیات حجاب^۱

زهرا فخرروحانی^۲

چکیده

بنا بر آیات وحی، مسأله پوشش از اولین مسائلی بود که حضرت آدم علیه السلام پس از هیبوط به زمین با آن مواجه شد. خداوند متعال در قرآن کریم درباره‌ی شیوه صحیح پوشش، تکالیف و دستوراتی را مقرر کرده است. شیوه‌شناسی صحیح نهادینه‌سازی فرهنگ پوشش در جوامع انسانی، یکی از مسائلی است که همواره در معرکه آرا و نظرات مختلف قرار گرفته است. بنابراین بایسته است که با تحلیل و بررسی دیدگاه قرآن در این باره، کامل‌ترین نسخه وحی آسمانی را به عنوان مبنای فرهنگ‌سازی برگزینیم. در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، کوشش شده است با توجه به روش فرهنگ‌سازی قرآن به عنوان شیوه‌ای مؤثر در طراحی فعالیت‌های فرهنگی، توجه برنامه‌ریزان فرهنگی را نسبت به روش طرح مباحث ارزشی جلب کند؛ به گونه‌ای که تقویت شاخص‌های ارزشی در اجتماع آسان‌تر و مخاطب‌رانسبیت به تحمل دشواری‌های آن پذیراتر کند. خداوند در این خصوص از تکنیک‌هایی همچون تدریج، الگوسازی، سطح‌بندی و بیان فلسفه و چرایی حکم استفاده کرده است. بدیهی است که وقتی حجاب در جامعه وجهه محدودیت و دست و پاگیری نداشته باشد، بلکه شاخص امتیاز و ارجمندی شمرده شود، با اقبال عمومی مواجه خواهد شد. واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، پوشش، حجاب، تبرج، جلباب.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۸

۲. سطح چهار تفسیر تطبیقی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران z.frohani@gmail.com

مقدمه

حجاب، جنجالی‌ترین لباسی است که بشر در طول تاریخ به تن کرده است؛ عده‌ای با خشونت به جنگ با این پوشش پرداخته و عده‌ای دیگر در راه ترویج آن، جان فشانی می‌کنند. معرفی حجاب به عنوان عامل شخصیت بخشی به موجودیت زن و اصلاح هندسه‌های معرفتی در باب ترویج روابط سالم، مستلزم تبیین الگوی قرآنی و به دور از افراط و تفریط است. اثبات اهمیت و ضرورت رعایت حجاب در جهت استحکام بخشی به بنیان خانواده و جلب آرامش و امنیت اجتماعی و فردی در سایه رعایت عفت و حیا، از الزاماتی است که می‌تواند به کاهش ثمر بخشی فعالیت‌های ستیزه جویانه دشمن منجر شود. با این توصیف، وظیفه تبیین مرزهای حجاب و عفت مداری بر دوش همه افراد اجتماع سنگینی می‌کند و همه کسانی که در جستجوی سلامت اخلاقی اجتماع هستند باید در تبیین فرهنگ عفت مداری دینی بکوشند.

با آن‌که عریان بودن در همه فرهنگ‌ها و مرام و مسلک‌های اجتماعی، مردود و مخالف فطرت شمرده شده و پوشیدگی جلوه‌ای از نجابت و عفت به حساب می‌آید، استعمار نوین با استفاده ابزاری از زن و بازیچه قرار دادن او، می‌کوشد تا مظاهر پوشش را جلوه‌ی کهنه پرستی نشان دهد و در ستیز با فرهنگ عفت مداری، برهنگی را در جوامع رواج دهد. جهان غرب با استفاده از شیوه‌های مختلف، در جهت تضعیف بنیان‌های پوشش دینی کوشیده است؛ به این معنا که گاه با طرح شبهاتی، زن را اسیر و محبوس در خانه معرفی می‌کند و ادعای تظلم می‌کند و گاه با تولید فیلم‌های مبتذل، تزلزل بنیان‌های عفت مداری را در نظرگاه عموم رواج می‌دهد. در مقابل چنین تلاش‌هایی، کوشش برای تقدس بخشی به حجاب و عفاف و تبیین آثار و پیامدهای گسترش فرهنگ قرآن به عنوان شیوه‌ای در جهت مقابله با آسیب‌های حاصل از تهاجم فرهنگی غرب، امری مقدس است. از آن‌جا که حمله‌های حاصل از تهاجم غرب به بنیان‌های حجاب و عفاف، تهدیدی برای همه اعضای جامعه شمرده می‌شود، بر همگان بایسته است که با کوشش در این خصوص، زمینه را برای بسترسازی هرچه بیش‌تر بر باور پذیری گرایش عمومی به فرهنگ حجاب و عفاف

فراهم کنند. تلاش در جهت تبیین مرزهای پوشش و عفاف، همواره مورد توجه پژوهشگران قرار داشته و اغلب مفسرین ذیل آیات مرتبط با حجاب، به تبیین دیدگاه قرآن در زمینه پوشش پرداخته اند. افزون بر این، کتاب های مستقلی نیز در این زمینه نگاشته شده که هرکدام از زاویه و منظری خاص، این امر را مورد توجه قرار داده اند. کتاب *مسأله حجاب شهید مطهری* یکی از برجسته ترین آثار در این زمینه است. همچنین می توان از کتاب هایی همچون *بررسی و تحقیق پیرامون حجاب اثر مجید حاذق و زهرا حمزه پور، عفت ندای فطرت نگاشته زهرا تاجیک، عفاف در گستره زندگی اثر محسن فتاحی اردکانی، گوهر عفاف نگاشته سید حسین اسحاقی و سیر فرهنگ سازی پوشش اسلامی با رویکرد تفسیر تنزیلی که توسط عبدالکریم بهجت به رشته تحریر درآمده، نام برد. در این زمینه پژوهش های فراوانی انجام شده، ولی آن چه این تحقیق، متکفل بیان آن است، تبیین سیر نزول آیات حجاب و بررسی مهندسی فرهنگی قرآن کریم در زمینه نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف است که در میان آثار مورد اشاره، آخرین اثر به این موضوع اختصاص یافته است، با این تفاوت که نگارنده این اثر بر آن است که فرهنگ پوشش اسلامی تنها با صدور حکم پوشش پدید نیامد، بلکه به این منظور ابتدا زمینه و اسبابی فراهم شد تا امر پذیرش، درونی سازی و هنجار سازی پوشش اسلامی تسهیل شود (بهجت پور، ۱۳۹۶، ص ۷). با این توصیف باید به این نکته اشاره کنیم که این کتاب افزون بر آیات مورد اشاره در این پژوهش، درصدد تبیین دورنمایی از شیوه قرآن در مهندسی فرهنگ ارزشی در خصوص ارزش های اخلاقی همچون صبر، صدقه و پوشش است. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است. پژوهش حاضر درصدد تبیین آن است که شیوه قرآن در زمینه گسترش فرهنگ حجاب و عفاف چیست؟ با توجه به تدریجی بودن نزول آیات حجاب، چگونه خداوند از تدریج به عنوان ابزاری در جهت نهادینه سازی و گسترش فرهنگ ارزشی استفاده کرده است؟ استفاده از سبک قرآن، چگونه می تواند به عنوان ابزاری در خدمت برنامه ریزان فرهنگ ارزشی در جوامع امروزی مورد توجه قرار گیرد؟*

۱. مفهوم شناسی حجاب

در بخش مفهوم شناسی به تعریف لغوی و اصطلاحی واژه حجاب می‌پردازیم.

۱.۱. تعریف لغوی حجاب

حجاب از ریشه «حجب»، متعدی و به معنای «در پرده قرار دادن» است. ابن درید حجاب را پوششی می‌داند که روی شیء را فرا می‌گیرد و معنای پرده را نیز برای آن ذکر می‌کند. زمانی که خورشید در ابر فرو می‌رود، عرب می‌گوید: «احتجبت الشمس في السحاب» (ابن درید، ۱۹۸۷، ص ۵۶۷). فیومی در توضیح این واژه چنین می‌گوید:

«حجب فعل متعدی است و به معنای مانع شدن به کار می‌رود. به پرده حجاب می‌گویند، زیرا مانع از دیدن است و به دربان حاجب گفته می‌شود، از آن روی که مانع ورود افراد می‌شود. این واژه در اصل به موانع مادی اطلاق می‌شود، ولی در موارد ویژه می‌تواند به مانع معنوی نیز اطلاق شود» (فیومی، بی‌تا، ۳۴۶). از آن چه گفته شد می‌توان دریافت که حجاب به پوششی گفته می‌شود که مانع از دیدن چیزی شود. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «کلمه حجاب هم به معنای پوشیدن است و هم به معنای پرده و حاجب به کار می‌رود. بیشترین استعمال آن پرده است. هر پوششی حجاب نیست، تنها پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد» (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۳۹۱-۳۸۶).

این واژه در قرآن نیز به همین معنای استعمال شده است. خداوند در داستان حضرت سلیمان علیه السلام می‌فرماید: «حتی توارت بالحجاب» (ص: ۳۲)؛ تا آن زمان که خورشید مخفی شد. همچنین کاربرست این واژه در آیات ۵۱ سوره شوری چنین است: «ماکان لبشران یکلمه الله الا وحياً او من وراء حجاب». در آیه ۵۳ سوره احزاب: «و اذا سألتموهن متاعاً فاستلوهن من وراء حجاب» به معنای پرده و مانع به کار رفته است. بنابراین می‌توان گفت کلمه حجاب از نظر لغوی مترادف واژه عربی «ستر» به معنای پوشیدن، پوشش، پرده، حجاب و مانع است.

۲.۱. تعریف اصطلاحی حجاب

فقها اغلب در کتب فقهی از این مفهوم با عنوان «ستر» یاد می‌کنند و استعمال حجاب درباره پوشش زن، استعمال جدیدی است. این استعمال به دلیل ریشه لغوی آن - که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت - بستر مناسبی برای بروز شبهات قرار گرفت، چرا که معنای اصلی این واژه مانع و پرده است و عده‌ای بر آن شدند که اسلام با الزام حجاب برای زنان، آنان را به خانه نشینی و عزلت‌گزینی فراخوانده و مانع پیشرفت آنان شده است. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «استعمال کلمه حجاب درباره پوشش زن، اصطلاح به نسبت جدیدی است، چون در اصطلاح فقها و پیشینیان به جای واژه حجاب، کلمه ستر که به معنای پوشش استعمال می‌شد» (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۳۹۲).

بنابراین باید گفت که معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی که زنان در برابر نامحرمان استفاده می‌کنند تا مانع جلوه‌گری و خودنمایی شود. حجاب به این معنایی از اصول مشترک همه ادیان ابراهیمی و از ضروریات شمرده می‌شود (علیمردی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹).

۲. ترتیب نزول آیات حجاب در قرآن

برای دستیابی به روش قرآن در نهادینه سازی حجاب و عفاف در عصر نزول، توجه به هندسه‌ی طرح این مفهوم در قرآن کریم بر مبنای ترتیب نزول سوره قرآن، حائز اهمیت است. در ترتیب نزول سوره‌ها، روایات مختلفی وجود دارد، اما روایاتی که از طریق ابن عباس به دست ما رسیده، مورد تأیید بیشتر دانشمندان علوم قرآنی است (معرفت، ۱۳۸۶، ص ۷۷). بر اساس چینشی که ابن عباس ارائه می‌دهد، ترتیب سوره عبارتند از: اعراف، مریم، طه، شعراء، نمل، قصص، هود، یوسف، حجر، صافات، انبیاء، مؤمنون، معارج، عنکبوت، آل عمران، احزاب، نساء، الرحمن، نور، تحریم و مائده.

هرچند در نگاه کلی، طرح مسأله حجاب در ۲۱ سوره از سوره‌های قرآن وجود دارد، اما نزول آن در سوره مکی بیش‌تر در قالب داستان و اسطوره‌سازی‌هایی که جنبه زمینه‌سازی دارند، مشاهده می‌شود (۱۴ سوره از ۲۱ سوره). برای نمونه طرح موضوع در قالب داستان در آیات مربوط

به حضرت آدم و حوا عليهما السلام، حضرت مریم عليها السلام، قوم حضرت لوط عليه السلام، حضرت یوسف عليه السلام و ... مشهود است. (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۹: ص ۱۱) بررسی ترتیب نزول آیات حجاب نشان می‌دهد که خداوند حکم حجاب را به تدریج و در طول زمان و در ضمن زمینه‌سازی‌های لازم فرهنگی بر مردم نازل کرده است. اولین آیات حجاب در روزهای پایانی سال پنجم هجری، در جریان ولیمه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب بنت جحش (همسر طلاق داده شده زید بن حارثه) بر پیامبر نازل شد و همه مردان در برابر دستور این آیه شریفه می‌بایست از پس پرده با همسران پیامبر صلی الله علیه و آله سخن بگویند. مراحل نزول آیات حجاب به شرح ذیل است:

مرحله اول: پیش از سال پنجم هجری بر زنان مسلمان، واجب نشده بود که حجاب داشته باشند. آنان با همان لباس معمول و مرسوم آن زمان در جامعه حاضر می‌شدند و با مردان سخن می‌گفتند. تا این‌که در سال پنجم هجری، پس از ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب بنت جحش، خداوند حجاب را بر همسران پیامبر واجب قرار داد و به مؤمنان دستور داد، هرگاه از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی خواستید از پشت پرده بخواهید: ﴿وإذا سألتهمون متاعاً فاسئلوهمن وراء حجاب ذلكم اطهر لقلوبکم و قلوبهن﴾ (احزاب: ۵۳). البته توجه به این نکته لازم است که پیش از نازل شدن آیه حجاب در همین سوره، آیات دیگری نازل شده که در آن‌ها، شأن همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در صورت رعایت تقوای الهی از شأن دیگر زنان برتر شمرده شده است و به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده شد جز برای کارهای ضروری از خانه خارج نشوند و با ناز و کرشمه با مردان سخن نگویند و بسان دوران جاهلیت نخستین، خود را نیارایند: ﴿یا نساء النبی لستن كأحد من النساء ان اتقیتن فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض وقلن قولاً معروفاً. وقرن فی بیوتکن ولا تترجنن تبرج الجاهلیة الأولى﴾ (احزاب: ۳۲). بنابراین می‌توان گفت در این مرحله ضمن شرافت بخشی ویژه به همسران پیامبر، خداوند دسترسی مردم به آن‌ها را محدود کرده تا نشان دهد حجاب حکمی برای شرافت بخشی است، نه امری محدودکننده و انزجارآمیز. مرحله دوم: در این مرحله خویشاوندان نسبی از دایره حکم حجاب بیرون شدند و اجازه یافتند با همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بی آن‌که پرده‌ای در بین باشد، سخن بگویند. نزول حکم حجاب درباره همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله موجب بازداشته شدن مردان از مراد مستقیم با آنان بود. سپس این تصور

به وجود آمد که این حکم، همه مردان حتی پدران، برادران و خویشان همسران رسول خدا ﷺ را در بر می‌گیرد و این پرسش مطرح شد که آیا از این پس پدران همسران رسول خدا ﷺ، برادران و پسران آن‌ها نیز از دیدن بازداشت‌شده‌اند؟ و از آن مهم‌تر این‌که آیا همان‌گونه که عبارت «یا ایها الذین آمنوا» زنان و مردان باایمان را در بر می‌گیرد و تنها از باب (تغلیب) ضمیرها مذکر آمده است، در عبارت «اذا سألتموهن» ضمیر مخاطب از باب (تغلیب) به صورت مذکر آمده است و در واقع زنان را هم در بر می‌گیرد؟ یعنی برابر این حکم زنان مؤمن نیز باید از پس پرده با همسران رسول خدا ﷺ سخن بگویند، یا آن‌که این حکم فقط ویژه مردان است؟ در پی طرح پرسش‌ها و شبهه‌ها، این آیه شریفه بر قلب مبارک رسول خدا ﷺ فرود آمد: «لا جناح علیهن فی آبائهن و لا ابنائهن و لا اخواتهن و لا ابناؤ اخواتهن و لا نسائهن و لا ما ملکتم ایمانهن و اتقین الله ان الله کان علی کل شیء شهیدا». پنج گروه نخست از گروه‌هایی که در آیه مورد اشاره ذکر شده‌اند، محرمان نسبی نام گرفته‌اند؛ بنابراین، حکم حجاب برای همسران پیامبر بدین منظور نبوده که آنان خود را از تیررس چشم محرمان نسبی به دور نگاه‌دارند.

همچنین از آیه استنباط می‌شود که تکلیف در پس پرده قرار گرفتن، متوجه همسران رسول خداست، نه مردان. همسران پیامبر ﷺ باید در پس پرده بمانند، نه این‌که مردان وظیفه داشته باشند که نگاه نکنند. این معنا از آن جا فهمیده می‌شود که خداوند به جای عبارت «لا جناح علی آبائهن» عبارت «لا جناح علیهن فی آبائهن» را آورد تا نشان دهد که این درخواست تکلیفی بر زنان است. در آخر نیز خداوند خطاب به زنان فرمود: شما زنان باید تقوای الهی را پیشه کنید: «واتقین الله» و خود را در پس پرده قرار دهید و نفرمود که شما مردان یا شما مردان و زنان باید تقوای الهی را پیشه کنید «واتقوا الله» و چشم به نامحرم ندوزید (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۶، ص ۳۶۱). مرحله سوم: خداوند در این مرحله، جلباب (پوشش چادرمانند) را به عنوان حقی برای همسران و دختران پیامبر ﷺ و زنان مؤمن قرار داد: «یا ایها النبی قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلك ادنی ان یعرفن فلا یؤذین» (احزاب: ۵۹).

مرحله چهارم: آیات سوره نور احکام حجاب بانوان را این‌گونه روشن ساخت که زنان باید چشم خود را از نامحرم فروپوشند، فرج‌های خود را حفظ کنند، زینت‌های خود را جز آن‌چه

آشکار است، نمایان نکنند، روسری های خود را بر سینه، گردن و گوش بزنند و خود را بپوشانند و زینت های خود را جز برای محارم آشکار نسازند: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِجُمُوحِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ ... وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيَعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (احزاب: ۵۹).

مرحله پنجم: در این مرحله، اجازه گرفتن برای ورود به محل استراحت بانوان محرم، مطرح شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَ إِن قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَأَرْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ إِنْ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (نور: ۲۷-۲۸).

۳. مبارزه قرآن با پدیده بدحجابی

از آن جا که حجاب در ادیان پیشین تشریح شده بود، نمی توان ادعا کرد که آیات یاد شده، آغازگر جریان پوشش در میان مسلمانان بوده اند، بلکه نوعی از پوشش در میان بانوان، قبل از تشریح آیات حجاب مرسوم بود. شاهد این مدعا سخن زمخشری در کشف است که می گوید: «قبل از نزول آیات حجاب، زنان، گریبان هایشان باز بود و گردن و سینه و اطراف آن دیده می شد. آن ها روسری بر سر می انداختند، ولی اطراف آن را غالباً به پشت سر خود بر می گرداندند (همانند آن چه امروز در میان مردان عرب رواج دارد)» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۳۷).

بنابراین نمی توان ادعا کرد که قبل از نزول آیات حجاب، زنان، بدون پوشش در اجتماع حاضر می شدند، به ویژه آن که نماز تشریح شده بود و نمی توان تصور کرد زنان بدون حجاب در اجتماعات دینی یا نماز حضور یافته باشند، ولی آن چه اسلام به مبارزه با آن پرداخت، پدیده بدحجابی بود و نزول آیات قرآن به احیا، تقویت و تثبیت فرهنگ حجاب و عفاف تأکید کرد.

۴. مهندسی فرهنگی قرآن در زمینه نهادینه سازی فرهنگ حجاب

رعایت پوشش اسلامی بر اساس نص صریح قرآن از خانه پیامبر ﷺ آغاز شد. خداوند ابتدا با شرافت بخشی به همسران پیامبر ﷺ، آنان را از دسترس دیگران خارج کرد و سپس تکالیف ویژه پوشش را بر آنان هموار ساخت تا برتری یابند. از جمله وظایفی که بر همسران پیامبر ﷺ مقرر شد: پرهیز از سخن گفتن با ناز و کرشمه و پسندیده سخن گفتن «فلاتخضعن بالقول... و قلن قولاً معروفاً» (احزاب: ۳۲)، خارج نشدن از خانه «قرن فی بیوتکن» (احزاب: ۳۳) و نیازاستن به شیوهی دوران جاهلیت «لاتبرجن تبریج الجاهلیة الاولى» بود. حال پس از فرا خواندن «امهات المؤمنین» (احزاب: ۶) به حجاب که هم شرافت و امتیاز شمرده می شد و هم تکلیف و وظیفه، همین وظیفه و امتیاز به دیگر زنان مؤمن نیز بخشیده شد تا آنان نیز از شرافت بهره مند شده و قدر و منزلت یابند. این امر باعث شد که جوانان و اوباش با آنان برخورد به دور از ادب و آزار دهنده نداشته باشند و دریابند که اینان زنان با شخصیت و از خاندان شریف و پاک هستند و نباید مورد آزار و اذیت واقع شوند (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۶، ص ۳۶۳). از این روی حجاب، جایگاه ویژه ای دارد و شرافتی برای زنان مؤمن به شمار می آید. به همین دلیل بود که زنان مدینه از این دستور خداوند استقبال کردند و به سرعت مقنعه ها و چادرهای سیاه تهیه کردند و با آن ها خود را پوشاندند. عایشه می گوید: «زنانی بهتر از زنان انصار ندیدم، چون به محض این که آیه ۳۱ سوره نور نازل شد، آنان تعبد ویژه ای از خود نشان دادند و مرط را که همچون غربال بود، بر سر خود می افکندند». صاحب صحاح درباره معنای واژه مرط می گوید که مرط پارچه بزرگی از جنس پشم یا خز بود و انصار به جهت رعایت حجاب مورد نظر قرآن آن را بر سر خود می افکندند. آن ها این پارچه را مانند غربال پاره می کردند تا به این وسیله وقتی آن را بر صورت خود می افکندند بتوانند از موانع سر راه خود مطلع شوند. ام سلمه نیز در این باره می گوید: «وقتی که آیه شریفه (خود را با چادرها فرو پوشانید) نازل شد، زنان انصار از خانه ها خارج شدند، به گونه ای که گویا کلاغ های سیاه بر روی سر آنان نشستند، به خاطر لباس های سیاهی که پوشیده بودند» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۲).

با توجه به آن چه گفته شد، ابتکار قرآن در جهت گسترش فرهنگ ارزشی حجاب، یکی از

مهم‌ترین مؤلفه‌های زمینه‌ساز برای اقدامات فرهنگی شمرده می‌شود. نظر به موفقیت قرآن در زمینه‌گرایی مخاطبان عصر نزول به پذیرش حجاب، باید به شیوه مهندسی قرآن در طرح این مبحث به عنوان گنجینه‌ای گرانبها در فرهنگ‌سازی اجتماعی، توجه ویژه‌ای مبذول داشت. شیوه مهندسی قرآن با هدف بسترسازی و ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت نهادینه‌سازی فرهنگ ارزشی را می‌توان در چند مؤلفه مورد توجه قرار داد:

۱.۴. تدریج

بررسی سیر نزول آیات حجاب گواه آن است که دستور حجاب، تکلیفی است که پذیرش آن نیازمند حرکت آرام فرهنگی و توأم با بسترسازی‌های لازم در طول زمان است؛ به عبارت دیگر چون مکلف ساختن اجتماع به امر پوشش برای مخاطبان عصر نزول دشوار بود، پرهیز از شتابزدگی و تأمل در جهت مهیا شدن زیرساخت‌ها در آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. بنابراین در فرهنگ‌سازی توجه به این نکته حائز اهمیت است که در عین متانت باید همه بسترهای لازم فراهم شود.

افزون بر این باید توجه داشت همان‌طور که بناکردن ساختمانی عظیم بر تپه‌ای از خاک که فاقد استحکام و اعتماد است، بی‌ارزش و غیرقابل اتکا است، استفاده از شیوه‌های تحکم‌آمیز و توأم با جبر نیز در این عرصه، ناموفق خواهد بود. استفاده از شیوه‌های تحکم‌آمیز هرچند با شتابزدگی و سرعت بیش‌تری جامعه را به مقصد می‌رساند، ولی از آن‌جا که فاقد عمق معرفتی و بینشی است، از دوام و استحکام اندکی برخوردار بوده و در مواجهه با تهاجم‌های سازمان‌یافته دشمن، فاقد استحکام و ماندگاری خواهد بود.

۲.۴. الگوسازی

یکی از کارآمدترین شیوه‌هایی که به وسیله آن می‌توان طیف فکری ویژه‌ای را در اجتماع رواج داد، استفاده از روش الگوسازی است. آموزش از راه تقلید، یکی از گرایش‌های فطری انسان است. حضور پیامبران در جوامع بشری و ارائه الگوهای رفتاری در برخورد با پدیده‌های

اجتماعی، نشانگر ضرورت یادگیری از طریق الگوپذیری است. بدیهی است که برای ایجاد و تقویت یک ارزش در جامعه، نیازمند الگوسازی هستیم. خداوند با نزول آیاتی که متکفل ایجاد مرحله مقدماتی در طرح نهادینه سازی الگوی حجاب و عفاف بودند، به این مهم پرداخت. باید توجه داشت که الگوهای رایج جامعه جهانی، نقش مهمی در الگوپذیری نسل امروز و تخریب بنیان های فرهنگ ارزشی دارند. همچنین باید توجه داشت که الگوسازی به شیوه ای که در آن عریانی و برهنگی به عنوان ارزش شمرده شود، بسی آسان تر از الگوسازی در زمینه شاخص های ارزشی است. بنابراین مقابله با این نحوه از الگوسازی های نادرست و رایج، اولاً کار چندان آسانی نیست و ثانیاً ضربه سنگینی به بنیان های ارزشی اجتماع وارد می سازد. برای نیل به این منظور، ابتدا باید به تصحیح اسطوره ها و الگوهای اجتماعی دست زد؛ چون قاطبه مردم بدون برخورداری از پشتوانه فکری لازم به تبعیت از الگوها علاقه نشان می دهند. پس باید گفت به همان میزان که رسانه ها در زمینه الگوسازی نادرست در ذهن مخاطبان خود فعالیت می کنند، موفقیت فعالان فرهنگی در زمینه گسترش حجاب و عفاف را به تأخیر انداخته و با چالش های جدی مواجه می سازند.

۳.۴. ارزش گذاری

یکی از شیوه هایی که قرآن برای گسترش فرهنگ حجاب از آن استفاده کرده، ارزش نهادن به زن در قالب طرح حجاب و عفاف است. در حقیقت قرآن با طرح مسأله حجاب، به تکریم شخصیت زن و پرهیز از دسترسی آسان به او پرداخته است. امروز این مفهوم از عفت نه تنها نادیده گرفته شده، بلکه گفته می شود خداوند با قرار دادن چنین تکلیفی به زنان ظلم کرده و قوانین را در جهت راحتی مردان تدوین کرده است.

طرح مسأله حجاب به عنوان شاخص ارزشمندی در اجتماع، مخاطب را نسبت به تحمل دشواری های آن پذیراتر کرده است. خداوند پس از آن که همسران پیامبر ﷺ را به عنوان شخصیت های ممتاز اجتماعی مورد توجه قرار داد، آنان را از دسترس عموم افراد دور نگه داشت و دسترسی به آن ها را محدود کرد. سپس در کنار این گروه ممتاز اجتماع - که شامل دختر و

همسر پیامبر ﷺ بود- زنان مؤمن را نیز مخاطب قرار داد و آنان را مکلف به دستور پوشیدگی، ستر و عفت کرد: «یا نساء النبی لستنّ کأحد من النساء ان اتقیتن» (احزاب: ۳۲)؛ ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید.

بدیهی است که وقتی حجاب در جامعه صورت محدودیت و دست و پاگیری نداشته، بلکه شاخص امتیاز و ارجمندی شمرده شود، رغبت عمومی به آن افزایش یافته و قاطبه افراد اجتماع در حسرت و آرزوی برخورداری از این امتیاز خواهند بود. به این ترتیب گرایش عمومی به این امر افزایش می‌یابد.

۴.۴. سطح بندی

یکی از نکات مهمی که در دستور قرآن به حجاب و عفت نهفته است، نزول تدریجی آیات حجاب است. خداوند این دستور را ابتدا متوجه شخصیت‌های محوری اجتماع کرد و سپس به عموم بانوان حکم داد و دشواری تکلیف عموم را در مقایسه با تکلیف مورد انتظار از شخصیت‌های برجسته اجتماع، کمتر قرار داد. به همین دلیل هنگامی که پوشش چادر آن‌هم به نحو شکیل و جدی را از همسر و دختر پیامبر ﷺ مطالبه کرد: «یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ» (احزاب: ۵۹)، از سوی دیگر از عموم مردم اجتماع، صرف پوشیدگی بدن و رعایت عفت نگاه را خواستار شد؛ بدون قید استفاده از پوشش برتر (جلباب): «قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهنّ و لایبدین زینتهنّ...» (نور: ۳۱). بنابراین انتظار به وجود آمدن جامعه‌ای یکدست در اثر تبلیغات حجاب و عفاف، توجعی نابه‌جا و غیرممکن است و از آن‌جا که رعایت حجاب و پوشیدگی با ظرفیت انسان‌ها ارتباط دارد، نمی‌توان از همه افراد، توقع پوشیدگی و تستر در سطح تکلیف خواص را داشت.

۵.۴. فلسفه و چرایی حجاب

خداوند در بخشی از آیات قرآن پس از ذکر قوانین به بیان فلسفه و چرایی احکام شرعی مبادرت ورزیده است؛ برای نمونه پس از بیان این نکته که مسافران و بیماران از حکم روزه

مستثنا هستند، می‌گوید: «یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر» (بقره: ۱۸۵)؛ خداوند راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را و فلسفه آن را نفی عسر و حرج و مشقت ذکر می‌کند. در مورد تحریم قمار و شراب می‌گوید: «انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوه و البغضاء فی الخمر و المیسر و یصدکم عن ذکر الله و عن الصلوٰه فهل انتم منتهون» (مائده: ۹۱)؛ شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. آیا (با این همه زیان و فساد و با این نهی اکید) خودداری خواهید کرد؟

نکته قابل توجه این است که با آن‌که بیان فلسفه و چرایی احکام در همه موارد در قرآن دیده نشده و برای نمونه با وجود تعدد امر قرآن به اقامه نماز یا زکات خداوند به بیان علت و چرایی آن اقدام نکرده، اما در غالب آیات مربوط به حجاب، خداوند درباره چرایی و فلسفه آن با انسان سخن گفته است. بدیهی است که بیان فلسفه و چرایی، تبعیت را برای انسان هموارتر ساخته و زمینه سرکشی و طغیان نفس را از بین می‌برد. خداوند در مورد خودداری از نگاه به زنان بیگانه می‌فرماید: «ذلک ازکی لهم» (نور: ۳۰)؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است. از این نکته فهمیده می‌شود که با آن‌که الگوسازی و سطح‌بندی و سایر موارد اشاره شده در تسهیل‌گرایی جامعه به فرهنگ حجاب مؤثر است، اما توجه به این نکته نیز لازم است که انسان موجودی است که خودخواهی و منفعت‌طلبی بر همه حیظه‌های وجود او سایه افکنده و از این رو اگر نسبت به منفعت شخصی خود در امری اطمینان یابد، تبعیت از آن را آسان شمرده و تسلیم می‌شود. اضافه بر این‌ها بیان منطق، فلسفه و چرایی قانع‌کننده، نقش مؤثری در زمینه‌سازی برای اطاعت‌پذیری دارد؛ از این رو تعبیری همچون «ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن» (احزاب: ۵۳)؛ این کار برای پاک‌دل‌های شما و آن‌ها بهتر است و نیز «ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین» (احزاب: ۵۹)؛ که این کار برای این‌ها (به عفت و حریت) شناخته‌شوند تا از تعرض و جسارت (هوسرانان) آزار نکشند بسیار نزدیک‌تر است، درگسترش و نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب و عفاف تأثیر بسزایی ایفا می‌کنند.

۶.۴. طرح مبحث حجاب به عنوان یک سبک رفتاری جامع

با توجه به آیات مربوط به حجاب، روشن می‌شود که پوشش به تنهایی نمایانگر تقید

به فرهنگ حجاب نیست، بلکه از منظر اسلام، حجاب مجموعه‌ای از رفتارهای اجتماعی است که در قالب عملکرد یک زن مسلمان جلوه یافته و بر همه ابعاد رفتاری او سایه می‌افکند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که نهی از نگاه ناروا و پوشاندن خود از منظر نگاه‌های حرام به معنای رعایت بخش مهمی از فرمان‌ها و دستورات اسلامی و به تعبیر قرآن تلبس به لباس تقواست که در این آیه به آن اشاره شده است: «یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یوارى سواتکم و ریشاً و لباس التقوی ذالک خیر» (اعراف: ۲۶)؛ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما لباس پرهیزگاری بهتر است.

آیه فوق به انواع متمایز از پوشش اشاره دارد: از پوشش اولیه و ابتدایی که انسان را از حیوانات متمایز می‌کند تا پوششی که به انسان علاوه بر فواید پوشانندگی و زینت، عفت و حیا و احساس امنیت و ارزشمندی عطا می‌کند. شگفت این‌که مناقشات رایجی که امروز بر سر موضوع حجاب به وجود آمده، به طور عمده حاصل تقابل دنیای غرب و ستیز آن با گسترش مرزهای اسلام و یا اغراض اقتصادی و مبارزه با عوامل محدودکننده‌ی مصرف‌گرایی است، وگرنه سودمندی عفت‌مداری و تأثیر رعایت شاخص‌های پوششی در شخصیت‌بخشی به انسان، امری غیر قابل انکار است.

نتیجه‌گیری

۱. یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت شیوه قرآن در مهندسی فرهنگ حجاب، آغاز حکم حجاب از خانه پیامبر ﷺ و ارزش بخشیدن به زنان بود، به این معنا که خداوند با الگوسازی از زنان پیامبر ﷺ، ابتدا احکام و مسائل تکلیفی را بر آنان تشریح کرد، سپس سایر مسلمانان را نسبت به سطحی کمتر از آن چه درباره زنان و دختران پیامبر ﷺ مطالبه کرده بود، مکلف ساخت.
۲. حکم حجاب، کم‌کم و به مرور زمان از خانه پیامبر اسلام ﷺ آغاز شد و سپس به دیگر خانه‌ها و خانواده‌ها سریان یافت. نزول حکم حجاب بر زنان پیامبر ﷺ عامل مهمی بر کاهش سنگینی بار این تکلیف و نیز تقویت تأثیر آن بر اجتماع بود.

۳. خداوند دستور حجاب را پس از زمینه سازی های فراوانی که در ۱۴ سوره از سور مکی ایجاد شده بود، در مدینه و در سال پنجم هجرت بر مسلمانان تکلیف کرد.
۴. توجه به تدریج و نیز آغاز دستور حجاب از خانه پیامبر ﷺ و شخصیت های برجسته ی اجتماعی، تأثیر بسزایی در گسترش آن داشته است.
۵. مقایسه تفاوت دستور قرآن در پوشش در آیات ۳۱ نور و ۵۹ احزاب، نشانگر آن است که نمی توان از همه بدنه اجتماع، انتظار رعایت حجاب کامل را داشت. گویا رعایت این بخش از دستورات الهی به طور مستقیم با ظرفیت انسان ها سر و کار دارد؛ از این رو خداوند در این آیات تکالیف مربوط به همسران پیامبر ﷺ و شخصیت های محوری و الگویی اجتماع را سنگین تر از عموم افراد جامعه قرار داده است. بنابراین توقع یکدست شدن همه مردم در رعایت شاخص های حجاب و عفاف از نظر قرآن منتفی شمرده شده و شخصیت هایی که جنبه الگویی دارند با تکلیف سخت تری روبرو شده اند.
۶. در نهادینه سازی مسأله حجاب، توجه به موضوع الگوسازی و هویت بخشی به ارزش ها اهمیت فراوانی دارد.
۷. طرح مسأله حجاب به عنوان ابزاری ارزش بخش به بانوان و نیز تأمین کننده سلامت روان و جسم آنان در اجتماع از عوامل تقویت و گسترش فرهنگ حجاب در جامعه بوده است.
۸. خداوند با تبیین حکمت و چرایی حکم حجاب، بار سنگین تقید به آداب دینی را از دوش زنان برداشت. وقتی فلسفه و چرایی احکام حجاب در ضمن آیات تبیین شد، دشواری های آن در نظر عموم آسان تر به نظر می رسید.
۹. چرایی و فلسفه تشریح حکم حجاب برای سالم ماندن روح انسان ها است: «ذلکم اظہر لقلوبکم وقلوبہن» (احزاب: ۵۳).
۱۰. دستورات قرآن در زمینه پوشش، تنها بخشی از سیستم مصونیت بخشی به زنان شمرده می شود و رعایت حجاب و حیا در گفتار و رفتار به ضمیمه پوشش سالم و توصیه به پرهیز از تبرج و خودنمایی نیز از اجزای این دستور است که رعایت مجموع آن ها به سالم سازی هرچه بیشتر فضای اجتماع می انجامد.

۱۱. خداوند، الزام به رعایت مجموعه روابط و رفتارهایی که به عنوان پوشش و سبک رفتاری بر پیروان خود لازم شمرده به صورت خلاصه در قالب تعبیر «ولا تبرجن الجاهلیة الأولى» (احزاب: ۳۳) بیان کرده است؛ یعنی گاهی زنان از حیث پوشش به رعایت قوانین ملتزم شده‌اند، اما در عین حال نوعی جلوه‌گری و خودنمایی در رفتار آنان دیده می‌شود که می‌تواند حامل تأثیرات نامطلوبی باشد. در عبارت فوق، ابتدا خداوند جلوه‌گری و بی‌عفتی زنان را نمادی از جاهلیت و عقب‌ماندگی معرفی کرده و سپس به آنان هشدار می‌دهد که مراقب برخوردهای اجتماعی خود باشند و از تأثیر رفتارها و مراودات اجتماعی خود غفلت نورزند. مبادا گسترش چنین رفتارهایی، امنیت فردی زنان و سلامت اجتماعی را با اختلال مواجه کند.



فهرست منابع

- قرآن کریم

۱. ابن درید، محمد. *جمهره اللغة*، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۸۷.
۲. بهجت پور، عبدالکریم. *همگام با وحی*، قم: سبب النبی، ۱۳۷۸.
۳. زاهدی، عبدالرضا؛ امرایی، ایوب؛ نظریگی، مریم. «روش قرآن در نهادینه سازی عفاف و حجاب»، تشریح مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۹، ۱۳۸۹، ص ۴۹-۱۰۶.
۴. زمخسری، محمود بن عمر. *الكشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوده التأویل*، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۷ق.
۵. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر. *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: مکتبه آیه الله نجفی مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۶. طباطبایی، محمد حسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۳۷۶.
۷. فیومی، احمد بن محمد. *مضباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، اصفهان: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام)، بی تا.
۸. مطهری، مرتضی. *مسأله حجاب*، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۷.
۹. معرفت، محمد هادی. *علوم قرآنی*، قم: تمهید، ۱۳۸۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی